

لزام همراهی مردم برای ارتقای امنیت

سردار حسین رحیمی
رئیس‌پلیس پایتخت



یادداشت

امنیت، بستر و زمینه‌ساز تمامی موضوعات و مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و حتی توسعه و گسترش روابط و تعاملات برون‌مرزی است؛ چنانچه اگر کشوری دارای امنیت

داخلی پایدار و با ثباتی باشد، به‌طور حتم امکان انسجام و برقراری روابط و انعقاد قراردادهای مختلف ممکن برای او فراهم خواهد بود؛ در غیر این صورت با نبود امنیت، این مهم مقدور و میسر نخواهد بود؛ از این‌رو امنیت مهم‌ترین مقوله در زندگی فردی و اجتماعی است و در میان شقوق مختلف امنیت، بدون شک امنیت داخلی از اهمیت دوچندان و قابل اعتنایی برخوردار است؛ به گونه‌ای که تحقق آن می‌تواند موجبات تحقق هر چه بیشتر امنیت و تقویت جنبه‌های مختلف دیگر این مهم را در پی داشته باشد.

امنیت داخلی کشور عزیزمان امروز بحدی با تلاش‌ها و ایثار و مجاهدت همه نیروهای نظامی و انتظامی، با ثبات، مطلوب و مثال زدنی است؛ این در حالی است که دشمنان ما به روش‌های مختلف همه تلاش و توان و عده و عُده، مزدوران و دست‌نشانده‌های خود را به کار گرفته‌اند تا امنیت و آرامش کشور ما را به مخاطره بیندازند و در این مسیر از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کنند.

ایران اسلامی امروز در حقیقت جزیره باثباتی است که گرداگرد آن را فتنه‌ها و آشوب‌های دشمنان احاطه کرده است و بیش از ۴۰ سال است که دشمنان انقلاب و در رأس آن امریکای جهانخواه، همه تلاش خود را به کار بسته‌اند تا نامنی و آشوب را جایگزین امنیت و آرامش کشور ما قرار دهند. امروز فرماندهی کل انتظامی کشور، مجاهدانه در مسیر خدمتگزاری به مردم و تأمین امنیت و آرامش و آسایش خاطر آنان، تا پای جان ایستاده است و همه تلاش خود را به کار خواهد بست تا خدش‌های به این مهم وارد نشود.

با وجود بیش از ۱۳ میلیون جمعیت ساکن و بسیار پایتخت؛ وجود قومیت‌های مختلف، اتباع خارجه و حضور ارکان حیاتی و مهم و همه همچنین حضور مسئولان عالی‌رتبه کشور در پایتخت، همه و همه نشانگر اهمیت و حساسیت بیش از پیش امنیت و آرامش در این آب و شهر، که در واقع مقرالقرای جهان اسلام است، می‌باشد.

از این‌رو با توجه به موضوعات عنوان شده، به‌طور حتم امنیت و حفظ احساس امنیت در پایتخت، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است که تأمین و استقرار این امنیت در وهله اول برعهده فرماندهی کل انتظامی کشور است که بحدی با تلاش‌ها و مجاهدت‌ها و تلاش‌های صورت گرفته، امروز پایتخت کشور عزیزمان در همه مؤلفه‌های امنیتی، با وجود همه متغیرها و موضوعاتی که می‌تواند تهدید امنیتی را به همراه داشته باشد، از ثبات مطلوبی برخوردار است.

نیروهای انتظامی، ترافیکی، امنیتی و اطلاعاتی پلیس پایتخت با هوشیاری و مهندسی مسائل و مشکلات و آسیب‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و... اجازه نخواهند داد که هیچکس آرامش شهروندان را در زمینه‌های مختلف فردی و اجتماعی به مخاطره بیندازد و خدمتگزاری مردم را برای خود پرزگترین شأن و افتخاری بداند و همه تلاش خود را به کار بسته‌اند تا این مسئولیت را به نحو احسن و اکمل به انجام برسانند؛ اما در کنار همه این تلاش‌ها و مجاهدت‌ها به‌طور حتم همکاری و همراهی مردم می‌تواند تأثیر بسزایی در تعمیم و تکمیل و تثبیت این امنیت و آرامش داشته باشد؛ از این‌رو همشهریان عزیز ما می‌توانند از طریق سامانه ۱۱۰، پلیس را در شناسایی مجرمان و مخالفان نظم و امنیت یاری رسانند؛ چرا که هم‌افزایی، همکاری و همدلی مردم در تحقق این مهم بسیار تأثیرگذار بوده و حضور مردم در همه صحنه‌ها تمام‌کننده است.

دشمنان برای پیشبرد اهداف خود و ضربه زدن به امنیت و آرامش کشور، از تکنیک فرار رو به جلو استفاده می‌کنند؛ به گونه‌ای که با نبش قبر حوادث گذشته و انتشار تصاویر آرشویی این حوادث سعی در تشویش اذهان عمومی و برهم زدن امنیت و آرامش روانی جامعه دارند این در حالی است که غالب این تصاویر مربوط به گذشته و حتی در مواردی مربوط به کشورهای دیگر است که با بازآرش آن درصدد ضربه زدن به امنیت و آرامش کشور هستند.

نباید فراموش کرد که انتشار این تصاویر، هر چند مستند واقعی، فقط می‌تواند موجبات نامنی را برای شهروندان فراهم سازد؛ بنابراین توصیه می‌شود به منظور جلوگیری از سوءاستفاده بیگانگان و دشمنان اینگونه تصاویر به عنوان ادله و دستگیری مجرمان و کشف جرم در اختیار پلیس قرار گیرد.

همدستی دایی و خواهرزاده برای قتل پدر و دختر

گروه حوادث - معصومه مرادیورا مرد جوان و خواهرزاده نوجوانش که یک پدر و دختر را به قتل رسانده بودند از سوی پلیس دستگیر شدند. به گزارش «ایران»، رسیدگی به این پرونده از ۲۷ اسفند پارسال به‌دنبال اعلام دو جنایت خونین در یکی از آپارتمان‌های مسکونی واقع در شهریار شروع شد.

خیلی زود کشت کلانتری صیباشهر در محل حضور یافت و با پیکر خونین مرد میانسال به‌نام ناصر ۶۰ ساله و دخترش پریسا ۳۸ ساله روبه‌رو شدند.

با حضور بازپرس در محل جنایت، جسد پدر و دختر به پزشکی قانونی منتقل شد و تیمی از کارآگاهان جنایی برای کشف راز این دو جنایت مرموز تحقیقات خود را شروع کردند.

در نخستین گام پلیس با کنترل دوربین‌های ساختمان قصد داشت افرادی را که در زمان قتل وارد این ساختمان شده بودند شناسایی کند اما کنترل این دوربین‌ها نتیجه‌ای برای پلیس نداشت. سرانجام در بررسی آخرین تماس‌های خط تلفن همراه همراهِ مقتول حادثه سرخ‌های تازه‌ای برای کشف راز این دو جنایت به‌دست آمد و کارآگاهان به‌دنبال کنترل آخرین تماس‌ها به شماره فردی به‌نام بیژن رسیدند. وقتی بیژن به اداره پلیس منتقل شد تا به‌عنوان نخستین مظنون تحت بازجویی قرار بگیرد سعی داشت با تناقض‌گویی خود را بی‌گناه نشان دهد اما سرانجام در ادامه بازجویی‌های فنی متهم لب به اعتراف گشود و راز دو جنایت را برملا کرد.

این متهم ۲۶ ساله در اظهاراتش مدعی شد روز حادثه برای انجام خدمات نظامتی به همراه خواهرزاده نوجوانم به خانه یک پیر مرد رفته‌ام اما بعد از پایان کار بر سر دستمزد باهم درگیر شدیم و من با چاقو مرد صاحبخانه را کشتیم اما دختر او که در خانه بود وقتی با این صحنه روبه‌رو شد قصد داشت با سر و صدا از همسایه‌ها کمک بخواهد که به ناچار او را نیز با همدستی خواهرزاده‌ام به قتل رساندیم و بلافاصله فرار کردیم.

به‌دنبال اعتراف‌های این مرد جوان، خواهرزاده‌اش نیز بازداشت شد.

جنایت در بیمارستان روانی پایتخت

زن بیمار هم اتاقی اش را خفه کرد



گروه حوادث / مرجان همایونی: مشابه که نشان می‌داد هر دو از بیماران زن میانسال که در یکی از بیمارستان‌های روانی کشور تحت درمان بود در حالی که به اتهام قتل هم‌اتاقی اش بازداشت شد که به محض دیدن مأموران پلیس گفت: «این زن به من گفت تو شیطان هستی و خودش از من خواست او را به بهشت بفرستم».

حدود ساعت ۱۲ ظهر یکشنبه ۲۱ فروردین مأموران کلانتری ۱۱۲ ابوسعید در تماس با بازپرس محمدرضا صاحب جمعی از قتل زن ۶۵ ساله‌ای در یکی از بیمارستان‌های روانی پایتخت خبر دادند.

با اعلام این خبر بازپرس شعبه ششم دادسرای امور جنایی پایتخت و تیم بررسی صحنه جرم راهی بیمارستان شدند. قتل در اتاق شماره ۳، طبقه همکف بیمارستان رخ داده بود. داخل اتاقی ۲۰ متری با دو تختخواب، دو کمد کوچک و سطل زباله‌ای که در قسمت دیگر اتاق قرار داشت.

■ قتل با دستمال سفید
جسد زن میانسال در حالی که لباس بیمار به تن داشت در کنار یکی از تخت‌ها افتاده بود و دستمال سفید رنگی نیز در گوشه گورده بود. قاتل نیز زنی ۵۰ ساله بود با لباس‌هایی

دستمال باریک و سفید رنگی را که به‌دست داشت از پشت سر دور گردن او انداخت. مقتول نیز بدون هیچ مقاومتی ایستاد تا نقشه جنایت اجرا شود. زن ۵۰ ساله، دستمال را فشار داد و بعد از ۱۰ ثانیه دست و پاهای مقتول شل شده و او روی زمین افتاد اما بازهم زن میانسال به کارش ادامه داد و بعد از حدود ۱۰ دقیقه از مقتول جدا شد.

■ آخرین درخواست مقتول
وقتی زن میانسال مقابل بازپرس جنایی نشست ادعای عجیبی را مطرح کرد: در مقابل در ورودی اتاق در حال صحبت با مقتول بودم که او به من گفت «تو شیطان هستی و من دلم

محاکمه پسر ورزشکار به اتهام قتل ناپدری

گروه حوادث / ورزشکار معروف که ۱۸ سال قبل ناپدری‌اش را به قتل رسانده بود، در حالی از جنبه عمومی جرم در دادگاه کیفری استان البرز محاکمه شد که اولیای دم مدتی قبل به شرط دریافت دیه از قصاص وی صرف‌نظر کرده بودند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از سال ۸۳ با اعلام خبر قتل مرموز مردی میانسال مقابل خانه‌اش در یکی از محله‌های کرج شروع شد.

بلافاصله تیمی از کارآگاهان جنایی برای بررسی این پرونده راهی محل شدند، نخستین بررسی‌ها نشان می‌داد مقتول با ضربه چاقو به قتل رسیده اما کسی از عامل جنایت خبر نداشت. در حالی که ردیابی‌ها برای اش شناسایی متهم همچنان ادامه داشت سرانجام سه سال قبل زن جوانی به اداره پلیس آگاهی البرز مراجعه کرد و مدعی شد عامل این جنایت قدیمی را می‌شناسد.

این زن در اظهاراتش گفت: مردی که سال ۸۳ به قتل رسید، ناپدری من بود و عامل قتل نیز برادرم بوده که الان یکی از ورزشکاران مطرح کشور است.

وی در ادامه گفت: برادرم زمان قتل

نگاه کارشناسی

فاطمه نورا جوادی
کارشناس روانشناسی

رفتارهای آبی ناشی از هیجان‌های پیرامون یکی از معضلاتی است که فرد را در معرض کنش‌های خطرناک چون زد و خورد و گاهی ارتکاب قتل قرار می‌دهد. مهارت کنترل هیجان چه در رخداد‌های ناخوشایند و چه در اتفاق‌های خوب را باید بیاموزیم و به فرزندان خود نیز یاد بدهیم. در این پرونده می‌بینیم که نوجوان ۱۶ساله‌ای در پی هیجان ناشی از خبری که خواهرش به او داده است، دست به جنایت می‌زند. تصمیم‌گیری درست هنگام روبه‌رویی با اخباری که می‌شنویم همان مهارتی است که باید آن را یاد بگیریم، قرار نیست «بی‌خیال باشیم!» فقط باید تصمیم درست بگیریم و این نکته بویژه در بین نوجوانان و جوانان بسیاراهمیت دارد. بسیاری از نزع‌های خیابانی که در بین نوجوانان رخ می‌دهد به‌دنبال همین نبود درک درست از وقایع اتفاق می‌افتد. مانند چشم در چشم شدن که درنهایت پشیمانی به بار می‌آورد. والدین، آموزش و پرورش و رسانه‌ها سه حلقه مهم برای آموزش مهارت کنترل هیجان‌های محیطی هستند. استفاده از این ظرفیت‌ها درنهایت باعث کاهش وقوع جرایم و بروز رخداد‌های تلخ خواهد شد.

زندگی‌ام را نابود کند. چند سالی گذشت و پلیس همچنان به دنبال شناسایی قاتل بود از آنجا که هیچ ردی از خودم به جا نگذاشته بودم کسی به من شک نکرد فقط خواهرم می‌دانست. چند سال بعد خواهرم از دواج کرد اما شوهرش معتاد بود و خواهرم را نیز معتاد کرده بود. او تنها کسی بود که راز قتل را می‌دانست اما وقتی

این وضعیت خیلی عصبانی شده بودم یک شب به خانه مادرم رفتم و ناپدری‌ام را با چاقو زدم، قصد کشتنش نبود اما بعد فهمیدم که مرده است.

همان موقع پشندت عذاب وجدان گرفتم اما هیچ وقت جرأت نداشتم خودم را معرفی کنم بخصوص که من در رشته ورزشی‌ام در حال پیشرفت بودم و نمی‌خواستم این موضوع

آتش سوزی در مدرسه روستایی

گروه حوادث / آتش‌سوزی در مدرسه دو کلاسه روستای شیوانکندی خوی بدون تلفات جانی پایان یافت. غلامرضا نظرعلیلو، مدیر آموزش و پرورش خوی در گفت‌وگو با خبرنگار فارس در ارومیه، با تشریح جزئیات آتش‌سوزی اظهار داشت: صبح یکشنبه مدرسه دوکلاسه روستای شیوانکندی خوی به‌دلیل مشکل فنی در انبار موتورخانه و نشت گازوئیل دچار حریق شد که خوشبختانه با کمک اهالی و همکاران فرهنگی توسط کپسول آتش‌نشانی این آتش خاموش شد.

مدیر آموزش و پرورش خوی افزود: خوشبختانه این مدرسه به‌آزیر مجهز بود و این آتش‌سوزی هیچ تلفات انسانی نداشت و تنها مکانی که آسیب‌دیده، موتورخانه این مدرسه است.

وی تصریح کرد: در حال حاضر کلاس‌های درس دانش‌آموزان بدون هیچ مشکلی فعال است و ما نیز پیگیر هستیم که هر چه سریع‌تر مکان‌های آسیب‌دیده بازسازی شوند.



بدین ترتیب به دنبال اعتراف‌های تلخ مرد جوان راز این جنایت پس از حدود ۱۶ سال فاش و او به اتهام قتل عمد بازداشت و روانه زندان شد.

اما این مرد جوان پس از نخستین جلسه محاکمه در شعبه یکم دادگاه کیفری استان البرز توانست رضایت اولیای دم را جلب کند و آنها نیز در قبال دریافت دیه از قصاص متهم چشم‌پوشی کردند. بدین ترتیب این متهم صبح یکشنبه از نظر جنبه عمومی جرم در شعبه یکم دادگاه کیفری به ریاست قاضی یوسف فلاح با حضور قاضی رهبر کوهستان نجفی مستشار دادگاه تحت محاکمه قرار گرفت.

متهم در حالی که ۱۸ ماه در زندان به سر می‌برد با اظهار ندامت و پشیمانی گفت: با اینکه مدت زیادی از ماجرا گذشته است اما هنوز هم عذاب وجدان دارم و از جرمی که مرتکب شدم پشیمان هستم.

من به خاطر فاع از خواهرم مرتکب قتل شدم اما از اولیای دم می‌خواهم که مرا ببخشند و از قصاص دادگاه نیز تقاضا دارم در مجازات من تخفیف قاتل شوند. پس از پایان جلسه دادگاه قضات برای صدور حکم از نظر جنبه عمومی جرم وارد شور شدند.

قصاص مردی که میهمانش را کشت

گروه حوادث / یکی از اتباع بیگانه که در جنایتی هولناک همولایتی‌اش را که در خانه‌اش میهمان بود به قتل رسانده و به قصاص محکوم شده بود، صبح دیروز در ندامتگاه مرکزی کرج به دار آویخته شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از اردیبهشت سال ۹۲ به دنبال کشف بقایای جسد یک مرد در بیابان‌های حصارک کرج کلید خورد. خیلی زود کارآگاهان جنایی در محل کشف جسد حضور یافتند و در نخستین تحقیقات شماره تماس فردی به نام گل محمد در جیب لباس مقتول پیدا شد که می‌توانست تنها سرخ این جنایت مرموز و تکان‌دهنده باشد. چندی بعد با ردیابی‌های پلیسی گل محمد بازداشت شد اما ادعای کرد قربانی را نمی‌شناسد تا اینکه پس از تحقیقات بیشتر لب‌به‌اعتراف گشود و بریده از راز جنایتش برداشت.

او به کارآگاهان گفت: مدتی بود که من و احمد - مقتول - با هم رفت و آمد داشتیم تا اینکه یک روز متوجه شدم او دخترم را مورد آزار و اذیت قرار داده است خیلی عصبانی شدم و برای همین به سراغش رفتم و در جریان درگیری او را با چاقو کتیم و برای اینکه هیچ اثری از او نماند، جسدش را تکه تکه و در بیابان رها کردم. به دنبال اظهارات این متهم او به اتهام قتل عمد بازداشت شد اما از آنجا که خانواده مقتول شناسایی نشدند، رسیدگی به پرونده بلا تکلیف ماند تا اینکه سرانجام با درخواست قصاص از سوی معاون قوه قضائیه پرونده پس از ۶ سال به جریان افتاد و متهم در شعبه یکم دادگاه کیفری البرز محاکمه شد. گل محمد از زندان به شعبه یکم منتقل شد و در شرح ماجرا به قضات دادگاه گفت: من و احمد هر دو کارگر ساختمانی بودیم. او در ایران کسی را نداشت و با هم رفت و آمد خانوادگی داشتیم تا آن اتفاق شوم افتاد و من هم تصمیم به انتقام گرفتم. اما حالا پشیمانم باید او را تحویل قانون می‌دام. پس از محاکمه با توجه به درخواست قصاص از سوی معاون اول قوه قضائیه متهم به قصاص نفس محکوم شد و سرانجام پس از حدود ۸ سال از این جنایت صبح دیروز با اعدام‌وی پرونده بسته شد.

متهم به قتل در دلاسرا:

کاش معذرت خواهی کرده بودم

گروه حوادث / دو برادر که بر سر جای پارک خود و مرد مغازه داری را به قتل رسانده بودند پس از ۵ ماه فرار در یکی از شهرستان‌ها دستگیر شدند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، اواخر آبان سال گذشته وقوع یک درگیری در تهران به پلیس اعلام شد و مأموران به‌رام بررسی ماجرا راهی خیابان بنی‌هاشم شدند. نخستین تحقیقات نشان می‌داد سرشنشیمان یک خودروی پراید با دو مرد جوان که از مغازه‌داران آن منطقه بودند درگیر شده و یکی از پراید سواران با ابزار کاشی‌کاری به سر یکی از مغازه‌داران ضربه زده بود. مرد جوان بلافاصله به بیمارستان منتقل شد اما از همان لحظه به کما رفت و با گذشت دو ماه، مرد مغازه‌دار بدون آن‌که به هوش بیاید فوت کرد. با مرگ مرد جوان به نام یاسر، موضوع به بازپرس میثم حسین‌پور اعلام شد.

در تحقیقات قضایی در شهرستان مورد نظر موفق شدند دو برادر را بازداشت کنند. در تحقیقات اولیه یکی از برادران دستگیر شد و به قتل اعتراف کرد. به تحقیقات قضایی در شهرستان مورد نظر موفق شدند دو برادر را بازداشت کنند. در تحقیقات اولیه یکی از برادران دستگیر شد و به قتل اعتراف کرد.

گفت‌وگو با متهم
امیر، متهم اصلی این پرونده است، هنوز ۳۰ سالش نشده و ۱۰ سال است

